

آیا زیارت جامعه کبیره به لحاظ سندی مورد پذیرش است ؟

- پژوهشی پیرامون سند زیارت جامعه کبیره..... ۲
- درآمد..... ۲
- سند زیارت جامعه..... ۲
- بررسی سند زیارت جامعه..... ۳
- قرائن و شواهد صدور زیارت جامعه کبیره..... ۱۲
- یکم: وجود زیارت جامعه در من لایحضره الفقیه و تهذیب الاحکام..... ۱۲
- دوم: استناد عالمان امامی به زیارت جامعه..... ۱۴
- سوم: وجود شرحهای فراوان پیرامون زیارت جامعه..... ۱۵
- چهارم: معارف بلند زیارت جامعه..... ۱۵
- پنجم: هماهنگی زیارت جامعه با سایر روایات..... ۱۶
- جمع بندی..... ۱۸

درآمد

زیارت جامعه کبیره یکی از معروفترین زیارت نامه های ائمه علیهم السلام است که از وجود گهربار هادی اُمت علیه السلام تراوش کرد. امام هادی علیه السلام در این زیارت، منشور بلند امامت را با بیانی شیوا و مثال زدنی به رهجویان مکتب امامت آموخته است.

آنچه ما را به نگارش مقاله پیشرو واداشت، انکار یا دست کم تردید برخی، پیرامون سند این زیارت و در مرحله بعد، صدور آن از امام هادی علیه السلام، است.

در این نوشتار کوشش مختصری شده تا اعتبار سند این زیارت و احراز صدور آن از امام هادی علیه السلام را نتیجه گیرد.

مطالب این نوشتار در دو ساحت بررسی سندی زیارت جامعه و جمع آوری قرائن و شواهد احراز صدور متن آن، تنظیم شده است.

سند زیارت جامعه

زیارت جامعه امام هادی علیه السلام اولین بار توسط شیخ صدوق ره، با سند زیر به ثبت رسیده است. عالمان و محدثان بعد از صدوق ره، به اتفاق این روایت را از او دریافت نمودند.

علي بن أحمد بن موسى و محمد بن أحمد السناني و الحسين بن إبراهيم بن أحمد بن هشام المکتب- رضي الله عنهم-
عن محمد بن أبي عبد الله الكوفي عن محمد بن إسماعيل البرمكي قال حدثنا موسى بن عبد الله النخعي قال قلت لعلي بن
محمد بن علي بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب ع علمني يا ابن رسول الله قولاً
أقولهُ بليغاً كاملاً إذا زرت واحداً منكم ...

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علي بن الحسين (متوفى ٣٨١هـ)، من لا يحضره الفقيه، ج ٢ ص ٦٠٩، تحقيق: علي أكبر الغفاري، ناشر: جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَاقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيِّ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ وَ أَبُو الْحُسَيْنِ الْأَسَدِيُّ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْمَكِّيِّ الْبَرْمَكِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ قَالَ: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ عَلْمَنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلًا أَقْوَلُهُ بَلِيغًا كَامِلًا إِذَا زُرْتُ وَاحِدًا مِنْكُمْ ...

القمي، ابو جعفر الصدوق، محمد بن علي بن الحسين بن بابويه (متوفى ٣٨١هـ)، عيون أخبار الرضا عليه السلام عيون أخبار الرضا (ع) - الشيخ الصدوق - ج ٢ ص ٣٠٥، تحقيق: تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - لبنان، سال چاپ: ١٤٠٤ - ١٩٨٤ م.

بررسی سند زیارت جامعه

پیش از آنکه سلسله راویان زیارت جامعه را مورد بررسی قرار دهیم، خوب است دیدگاه برخی عالمان پیرامون سند زیارت جامعه را بازگو کنیم.

علامه مجلسی ره درباره درستی سند و متن زیارت جامعه می گوید:

انها أصح الزیارات سندا وأفصحها لفظا وأبلغها معنی.

این زیارت از نظر سند، صحیحترین، از جهت لفظ فصیحترین و به حسب معنی بلیغترین زیارتهاست.

المجلسي، محمد باقر (متوفى ١١١١هـ)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ٩٩ ص ١٤٤، تحقيق: محمد

الباقر البهبودي، ناشر: مؤسسة الوفاء - بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية المصححة، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م.

مرحوم حر عاملي، صاحب كتاب شريف وسائل الشيعة نیز به صحت سند زیارت جامعه تصریح دارد و می نویسد:

الباب التاسع في جملة من الاحاديث المعتمدة الواردة في الاخبار بوقوع الرجعة لجماعة من الشيعة و غيرهم من الرعية و ما يدل على امكانها و عدم جواز انكارها و الاحاديث في ذلك كثيرة جدًا ... الاول ما رواه الشيخ الجليل رئيس المحدثين أبو جعفر بن بابويه في كتاب من لا يحضره الفقيه و في عيون الاخبار و الشيخ الجليل رئيس الطائفة أبو جعفر الطوسي في كتاب التهذيب **بأسانيدهما الصحيحة** عن محمد بن إسماعيل البرمكي عن موسى بن عبد الله النخعي قال: قلت لعلي بن محمد بن علي بن موسى عليهم السلام: علّمني قولاً أقوله بليغا ...

الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة - الحر العاملي - ص ۲۲۳، الناشر: دليل ما - قم - إيران. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة - الحر العاملي - ص ۲۸۲.

باب نهم پیرامون پاره‌ای از احادیث مورد اعتمادی است که در رابطه با وقوع رجعت یک عده از شیعیان و غیر آنها است و روایاتی که دلالت بر امکان رجعت دارد. احادیث در این باره فراوان است ... روایت اول را شیخ صدوق ره در کتاب من لا يحضره الفقيه و عيون اخبار الرضا عليه السلام و شیخ طوسي ره در کتاب تهذيب با سندهایشان که یکی از آنها [و یا هر دوی آنها] روایت صحیح از موسی بن عمران نخعی از امام هادی علیه السلام است ...

شیخ صدوق رحمة الله عليه

شیخ صدوق رحمة الله عليه اولین نفر در این سند قرار دارد. جایگاه فاخر او بر کسی پوشیده نیست. دانشمندان امامی او را به بزرگی یاد کردند. از باب نمونه شیخ طوسي ره درباره او می نویسد:

محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه القمي جليل القدر يکنى أبا جعفر كان جليلا حافظا للأحاديث بصيرا بالرجال ناقدا للأخبار لم ير في القميين مثله في حفظه وكثرة علمه.

محمد بن علي بن حسين بن موسى بن بابويه قمی، انسانی بلند مرتبه است. او حافظ احادیث، آگاه به رجال و ناقد اخبار است. در میان قمی‌ها کسی مثل او در حفظ و کثرت دانش، دیده نشد.

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، الفهرست، ص ٢٣٧، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، ناشر: مؤسسة نشر الفقهة، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الأولى ١٤١٧

راویان طبقه قبل از صدوق

طبقه قبل از شیخ صدوق ره، مطابق سند من لا يحضر، سه نفر و بر اساس سند عیون، چهار نفرند. اعتبار این طبقه [سه یا چهار نفر] را از جنبه‌های گوناگون می‌توان ثابت نمود.

نخست آنکه برخی از عالمان، نقل صدوق ره از یک نفر را موجب اعتبار آن شخص دانستند. از باب نم و نه شهید ثانی ره پیرامون یک فرع فقهی می‌نگارد:

وإنما ترك المصنف العمل بها لأن في سندها عبد الواحد بن عبدوس النيسابوري وهو مجهول الحال مع أنه شيخ ابن بابويه وهو قد عمل بها فهو في قوة الشهادة له بالثقة ومن البعيد أن يروي الصدوق رحمه الله عن غير الثقة بلا واسطة. همانا مصنف [محقق حلی ره] عمل به این روایت را ترک کرد برای آنکه در سندش عبد الواحد بن عبدوس وجود دارد و او فردی مجهول الحال است. [شهید ثانی می‌گوید:] در حالی که وی استاد ابن بابویه [صدوق ره] است و صدوق ره به این روایت عمل کرده است. این [عمل شیخ صدوق ره به روایت عبد الواحد بن عبدوس] همانند آن است که به وثاقت عبد الواحد بن عبدوس شهادت داده باشد. بعید است که صدوق ره از فردی که مورد وثوق نیست، بدون واسطه روایت نقل کند.

الشهيد الثاني، مسالك الأفهام، ج ٢ ص ٢٣، الناشر: مؤسسة المعارف الإسلامية - قم - إيران

روشن است؛ آنچه از کلام امثال شهید ثانی استفاده می‌شود، وثاقت مشایخ شیخ صدوق ره، حال آن فرد عبد الواحد بن عبدوس باشد یا کسی دیگر، مانند راویانی را که در سلسله سند فوق وجود دارند.

جنبه دوم، آنکه علي بن احمد بن محمد بن عمران الدقاق در این طبقه وجود دارد. او از جمله کسانی است که صدوق ره روایات پُر شماری از او نقل کرده است. جمعی از دانشمندان بر این عقیده‌اند اگر راویان ثقه به ویژه افرادی مانند کلینی و شیخ صدوق، روایات زیادی از یک راوی نقل کنند، نشان از اعتماد آنها به آن راوی بوده است.

پژوهشی در علم رجال، اکبر تراپی شهر رضایی، ص ۳۴۵.

عده‌ای از عالمان اینگونه افراد را مورد وثوق می‌دانند. از جمله مرحوم آیت الله بروجردی در یک سخنی چنین می‌آورد:

الظاهر أنه يمكن استكشاف وثاقة الراوي من تلاميذه الذين أخذوا الحديث عنه فإذا كان الأخذ مثل الشيخ أو المفيد أو الصدوق أو غيرهم من الأعلام خصوصاً مع كثرة الرواية عنه لا يبقى ارتياب في وثاقته أصلاً.

ظاهر آن است که وثاقت راوی را می‌توان از طریق شاگردانی را که از او حدیث اخذ نمودند، به دست آورد. پس زمانی که گیرنده حدیث مثل شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ صدوق و امثال این بزرگان باشند، به ویژه آنکه از آن راوی زیاد روایت نقل کنند، شکی در وثاقت آن راوی باقی نمی‌ماند.

الفاضل اللكراني، نهاية التقرير في مباحث الصلاة، تقرير بحث البروجردی، ج ۳ ص ۲۳۲، ناشر: مركز فقه الأئمة الأطهار

عليهم السلام

جنبه سوم، بر فرض آنکه دو وجه نخست را نادیده بگیریم، به نظر می‌آید صرف وجود سه یا چهار راوی در یک طبقه، درصد قابل توجهی از اعتماد را نسبت به این طبقه به وجود می‌آورد.

با توجه به این وجوه چندگانه، بدون هیچ تردیدی می‌توان نسبت به سه یا چهار راوی قبل از صدوق رحمة الله عليه اعتماد نمود.

محمد بن ابي عبد الله كوفي يا ابو الحسين اسدي

در طبقه دیگر آنگونه که از سلسله سند عیون اخبار الرضا علیه السلام بر می آید، دو راوی با نامهای محمد بن ابی عبد الله کوفی و ابو الحسین اسدی وجود دارد، اما مطابق سند من لا یحضر، در این طبقه یک نفر یعنی محمد بن ابی عبد الله کوفی، وجود دارد. به نظر می رسد، اینها یک نفرند چنانچه مرحوم نجاشی، به هنگام شرح حال محمد بن ابی عبد الله کوفی می نویسد:

محمد بن جعفر بن محمد بن عون الأسدي أبو الحسين الكوفي يقال له محمد بن أبي عبد الله كان ثقة صحيح الحديث.

محمد بن جعفر بن عون اسدی که به او محمد بن ابی عبد الله کوفی گفته می شود، انسانی مورد اعتماد و دارای احادیث درست بود.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفی الشيعة المشتهر ب رجال النجاشي، ص ٣٧٣، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة: الخامسة، ١٤١٦هـ.

شيخ طوسي رحمة الله عليه هم در كتاب "الغيبه" مي گوید:

قد كان في زمان السفراء المحمودين أقوام ثقات ... منهم أبو الحسين محمد بن جعفر الأسدي.

در زمان سفيران بزرگوار امام زمان عليه السلام طایفه هاي مورد وثوقی بودند ... یکی از اینها ابو الحسين محمد بن جعفر اسدی [محمد بن ابی عبد الله کوفی] است.

الطوسي، الشيخ ابوجعفر، محمد بن الحسن بن علي بن الحسن (متوفى ٤٦٠هـ)، كتاب الغيبة، ص ٤١٥، تحقيق الشيخ عباد الله الطهراني/ الشيخ على احمد ناصح، ناشر: مؤسسة المعارف الاسلامية، الطبعة الأولى، ١٤١١هـ.

محمد بن اسماعيل بن بشير برمكي

راوي طبقه ديگر محمد بن اسماعيل بن بشير برمكي است. نجاشي درباره او مي گويد:

محمد بن إسماعيل بن أحمد بن بشير البرمكي ... وكان ثقة مستقيماً.

وي فردي مورد وثوق و داراي عقیده مستقيم بود.

النجاشي الأسدي الكوفي، ابوالعباس أحمد بن علي بن أحمد بن العباس (متوفى ٤٥٠هـ)، فهرست أسماء مصنفي الشيعة

المشتهر ب رجال النجاشي، ص ٣٤١، تحقيق: السيد موسي الشبيري الزنجاني، ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي - قم، الطبعة:

الخامسة، ١٤١٦هـ.

البتة ابن غضائري او را تضعيف مي کند اما علامه ره حلي قول نجاشي را ترجيح مي دهد. او مي نويسد:

محمد بن إسماعيل بن أحمد بن بشير البرمكي اختلف علماؤنا في شأنه فقال النجاشي: انه ثقة مستقيم وقال ابن

الغضائري: انه ضعيف. وقول النجاشي عندي أرجح.

علماء درباره محمد بن اسماعيل برمكي اختلاف دارند. نجاشي گفت: او مورد وثوق و مستقيم است و ابن غضائري او

را ضعيف مي داند. گفته نجاشي نزد من رجحان دارد.

الحلي الأسدي، جمال الدين أبو منصور الحسن بن يوسف بن المطهر (متوفى ٧٢٦هـ) خلاصة الأقوال في معرفة الرجال،

ص ٢٥٨، تحقيق: فضيلة الشيخ جواد القيومي، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى، ١٤١٧هـ.

آيت الله خويي ره هم گفته نجاشي را بر مي گزيند و مي گويد:

الكتاب المنسوب إلى ابن الغضائري لم تثبت صحة نسبته وعليه فتوثيق النجاشي لمحمد بن إسماعيل هذا بلا معارض.

الموسوي الخويي، السيد أبو القاسم (متوفى ١٤١١هـ)، معجم رجال الحديث، ج ١٦ ص ١٠٢، الطبعة الخامسة، ١٤١٣هـ -

١٩٩٢م

درستي انتساب كتاب ابن غضائري به او ثابت نيست. بنا بر اين توثيق نجاشي درباره محمد بن اسماعيل برمكي،

بدون معارض [و قابل قبول] است.

موسي بن عمران نخعي

راوي طبقه نخست، موسي بن عمران نخعي است. البته در «من لا يحضر» شيخ صدوق رحمة الله عليه و كتابهايي مانند «تهذيب» شيخ طوسي رحمة الله عليه که از «من لا يحضر» نقل کردند، اين فرد با اسم موسي بن عبد الله نخعي به ثبت رسيده است. اما به نظر مي رسد اين دو، يک نفرند. مرحوم نمازي همين ديده گاه را باختيار مي کند و مي نويسد:

موسی بن عبد الله النخعي متحد مع ابن عمران النخعي وأحدهما اسم جده.

موسي بن عبد الله نخعي با موسي بن عمران متحد است و يکي از اين دو، نام جد موسي است.

الشاهرودي، الشيخ علي النمازي (متوفاي ۱۴۰۵هـ)، مستدرکات علم رجال الحديث، ج ۸ ص ۲۱، ناشر: ابن المؤلف،

چاپخانه: شفق - طهران، الأولى ۱۴۱۲هـ

آيت الله سند هم در تاييد همين نظر، مي نگارد:

آن وحدة الطريق للصدوق تقتضي وحدة الراوي أيضاً

شيخ صدوق رحمة الله عليه زيارت جامعه را با يک سند در دو کتاب من لا يحضره الفقيه و عيون اخبار الرضا عليه السلام، آورده است. اين نشان مي دهد راوي آخر، يک نفر است که در يک جا موسي بن عمران و جاي ديگر، موسي بن عبد الله ثبت شده است.

في رحاب الزيارة الجامعة الكبيرة - آيت الله سند - ص ۱۹.

به هر حال؛ كتابهاي رجالي شرح حال روشني از موسي بن عبدالله يا همان موسي بن عمران نخعي که راوي كليدي اين سند است، به دست ندادند. اما با توجه به قرائن و شواهد ذيل مي توان به جا يگاه قابل اعتماد او دست يافت.

قرينه نخست، آنکه افراد مورد وثوق از او روايت نقل کردند. همانطور که پيشتر بيان شد، نقل قول چند انسان مورد

اعتماد از يک نفر، آن هم در مواردی به طور فراوان و پُر شمار، نشان از اعتماد آنان نسبت به آن فرد مي باشد.

۱-۱: از جمله این افراد، محمد بن ابی عبد الله کوفی است که جلالت قدر او از نگاه نجاشی و شیخ طوسی رحمة الله علیه در همین نوشتار گذشت. البته در سند زیارت جامعه، محمد بن ابی عبد الله کوفی با یک واسطه از موسی بن عمران نقل می کند اما در **دهها مورد** دیگر، راوی مستقیم و بدون واسطه از موسی بن عمران است.

نکته قابل توجه آنکه نجاشی بعد از آنکه محمد بن ابی عبد الله کوفی را توثیق می کند، می گوید او از افراد ضعیف روایت نقل می کند [أنه روی عن الضعفاء]. این سخن نجاشی لطمه ای به وثاقت موسی بن عمران وارد نمی کند و نمی توان گفت که احیاناً موسی بن عمران از جمله افراد ضعیف است که محمد بن ابی عبد الله کوفی از او نقل کرده است، چرا که این مطلب را درباره کسی که محمد بن ابی عبد الله کوفی روایات اندکی از او نقل کرده، چه بسا بتوان پذیرفت اما درباره موسی بن عمران نمی توان پذیرفت زیرا به طور طبیعی اگر این فرد نزد محمد بن ابی عبد الله کوفی ضعیف و غیر قابل اعتماد می بود، هیچگاه **دهها روایت** از او نقل نمی کرد.

۱-۲: تعدادی از روایات موسی بن عمران توسط محمد بن موسی بن متوکل، به دست ما رسیده است. وثاقت محمد بن موسی بن متوکل بر پایه مطالب ذیل ثابت است: مطلب نخست: شیخ صدوق ره روایات فراوان از او در کتابهای گوناگونش نقل می کند. گذشت که کثرت نقل صدوق رحمة الله علیه از یک نفر، نشان از اعتماد و تایید او نسبت به آن فرد است.

مطلب دوم: علامه حلی رحمة الله علیه در کتاب رجالی خود "خلاصه الاقوال" حکم به وثاقت او نموده است.

الحلی الأسدی، جمال الدین أبو منصور الحسن بن یوسف بن المطهر (متوفای ۷۲۶هـ) خلاصه الاقوال فی معرفة الرجال، ص ۲۵۱، تحقیق: فضیلة الشیخ جواد القیومی، ناشر: مؤسسه نشر الفقاهة، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷هـ.

مطلب سوم: سید بن طاووس رحمة الله علیه وثاقت او را مورد اتفاق می داند. آیت الله خویی رحمة الله علیه در این باره می گوید:

ادعی ابن طاووس فی فلاح السائل عند ذکر الروایة عن الصادق علیه السلام "أنه ما أحب الله من عصاه" الاتفاق علی وثاقته فالنتیجة أن الرجل لا ینبغي التوقف فی وثاقته.

سید بن طاووس در کتاب فلاح السائل آنگاه که روایت امام صادق علیه السلام "أنه ما أحب الله من عصاه" را آورد، ادعای اتفاق بر وثاقت مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ، نمود. بنا بر این شایسته نیست در وثاقت او توقف کنیم.

الموسوي الخويي، السيد أبو القاسم (متوفى ١٤١١هـ)، معجم رجال الحديث ج ١٨ ص ٣٠٠، الطبعة الخامسة، ١٤١٣هـ -

١٩٩٢م

١-٣: محمد بن إسماعيل برمكي هم همانطور که در سلسله سند زیارت جامعه ملاحظه نمودید، راوی مستقیم موسی به عمران به شمار می رود. پیشتر گذشت که وی از دیدگاه افرادی مانند نجاشی و علامه حلی رحمة الله علیه فردی مورد اعتماد است.

قرینه دوم بر وثاقت موسی بن عمران، روایات برجای مانده از اوست. بسیاری از روایات که موسی بن عمران در آن وجود دارد، روایات اعتقادی و معارفی است. با بررسی این روایات به راحتی می توان گفت که او دارای عقیده‌ای مستقیم و معرفت شناسی محکم بوده است.

نگ: في رحاب الزيارة الجامعة الكبيرة، آيت الله سند، ص ٢٠ - مؤلف، تعدادی از این دست روایات را ذیل عنوان "متون روایاته في المعارف" گزارش می کند.

قرینه سوم بر وثاقت موسی بن عمران، درخواست او از امام هادی علیه السلام است. عده‌ای از عالمان از جمله آیت الله سند، بر این اعتقادند که درخواست او از امام هادی علیه السلام تا آنکه متنی کامل به او آموزش دهد تا با خواندن آن بتواند همه امامان علیهم السلام را زیارت کند، خود می تواند نشان از جایگاه بلند این راوی و معرفت او به مقام اهل بیت علیهم السلام داشته باشد. قابل توجه آنکه امام علیه السلام درخواست او را اجابت نمود و منشور بلند امامت را در قالب زیارتنامه فوق به او آموخت.

بر پایه آنچه گذشت، دانستیم که سلسله سند زیارت جامعه بر اساس قواعد دانش رجال، قابل قبول است. تنها راوی مورد بحث، موسی بن عمران نخعی است که وثاقت و اعتبار او با توجه به قرائن و شواهد گوناگون ثابت است.

قرائن و شواهد صدور زیارت جامعه کبیره

به طور کلی مباحث مربوط به دانش رجال و بحثهای سندی به جهت کشف و احراز صدور روایت از این طریق است. اصل این بحث، موضوعیت ذاتی ندارد بلکه طریقت دارد و ارزش آن به این است که راهی برای اطمینان به صدور حدیث از معصوم علیه السلام است. بنا بر این؛ از هر راهی که این اطمینان حاصل شود، کفایت می کند و آن روایت قابل پذیرش است. حال سبب اطمینان، عدالت راوی یا وثاقت او باشد یا مثل آنکه متن روایت به گونه ای باشد که صدور آن از غیر معصوم ممکن نباشد و یا هر راه دیگر.

اقتباس به همراه کمی تغییر از کتاب آداب فناء مقربان، [شرح زیارت جامعه]، آیت الله جوادی آملی، ص ۸۷ الی ۸۸.

اصولاً از نظر محدثان متقدم امامی، معیار صحت احادیث، وثوق صدوری بوده نه وثوق سندی و اگر به صحت صدور یک حدیث اطمینان می یافتند، دیگر بررسی سند مطرح نبود.

به هر حال؛ اگر شواهد و قرائن به اندازه ای باشد که اطمینان به صدور این روایت از امام هادی علیه السلام بیاورد، حتی اگر فرضاً زیارت جامعه دارای سند معتبری نباشد، لطمه ای به اتقان و اعتبار آن وارد نمی شود و می توان این زیارت نامه را به معصوم علیه السلام نسبت داد و از آن بهره گرفت.

در ادامه شواهدی را که در احراز صدور زیارت جامعه کبیره از امام هادی علیه السلام، وجود دارد مورد بررسی قرار می دهیم.

یکم: وجود زیارت جامعه در من لایحضره الفقیه و تهذیب الاحکام

شیخ صدوق رحمه الله علیه شخصیتی است که به شدت با غلو مبارزه می کند. این امر نزد اهل فن روشن است. از سوی دیگر؛ او به گفته شیخ طوسی رحمه الله علیه که در همین نوشتار بیان کردیم، نسبت به رجال آگاه و نقد کننده اخبار و روایات است.

حال چنین شخصیتی با آن فضای فکری در کنار احاطه ای که نسبت به روایات دارد، بخشی از زیارت جامعه کبیره را با آن مضامین بلندی چون وساطت ائمه علیهم السلام در رزق و دیگر مقامات بسیار بلند مرتبه آنان، در مطلع کتاب

فقهی‌اش «المُتَّع» ذکر می‌کند، علاوه بر آن، تمامی این زیارت را در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه السلام» و کتاب «من لا یحضره الفقیه» که یکی از کتابهای اربعه امامیه و یکی از مهمترین منابع استنباط در مذهب شیعه دوازده امامی به شمار می‌رود، نقل می‌کند. نکته قابل توجه آنکه؛ صدوق رحمة الله علیه در مقدمه کتاب «من لا یحضره الفقیه» می‌فرماید:

«وَلَمْ أَقْصِدْ فِيهِ قَصْدَ الْمُصَنِّفِينَ فِي إِيرَادِ جَمِيعِ مَا رَوَوْهُ؛ بَلْ قَصَدْتُ فِيهِ إِلَى إِيرَادِ مَا أَفْتِي بِهِ وَأَحْكَمَ بِصَحَّتِهِ وَأَعْتَقَدُ فِيهِ أَنَّ حُجَّةَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَ رَبِّي - تَقَدَّسَ ذِكْرُهُ وَتَعَالَتْ قُدْرَتُهُ - وَجَمِيعِ مَا فِيهِ مُسْتَخْرَجٌ مِنْ كِتَابِ مَشْهُورَةٍ عَلَيْهَا الْمَعْوَلُ وَإِلَيْهَا الْمَرْجِعُ».

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱هـ.)، من لا یحضره الفقیه، ج ۱ صص ۲-۳، تحقیق: علی اکبر الغفاری، ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

من همانند دیگر نویسندگان قصد نکرده‌ام که تمامی روایاتی را که یافته‌ام، نقل نمایم بلکه احادیثی را بیان نموده‌ام که بر اساس آن فتوا داده و صحت آن را تایید می‌کنم و معتقدم که بین من و خدای بلند مرتبه‌ی قادر، حجت می‌باشد. تمامی احادیثی را که در این کتاب آورده‌ام از کتابهای مشهوری نقل نموده‌ام که مورد اعتمادند و از کتابهای مرجع [مورد عالمان دینی] هستند.

علاوه بر آنکه، روایت فوق، در تهذیب الاحکام شیخ طوسی رحمة الله علیه به عنوان یکی دیگر از کتابهای اربعه امامیه هم به ثبت رسیده است. اگر چه مؤلف تهذیب روایت را از صدوق رحمة الله علیه نقل می‌کند، اما باید توجه داشت که انتخاب این روایت و ثبت آن در این کتاب مهم، در جای خود، درخور توجه است.

بنا بر این؛ ثبت زیارت جامعه در دو کتاب از کتابهای اربعه [پراهمیت ترین کتاب‌های حدیثی نزد شیعه اثنی عشری]، به ویژه من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق رحمة الله علیه، قرینه مهم و درخور توجهی برای اعتبار و اتقان این زیارت به شمار می‌رود.

در پایان، سخن برخی محققان درباره اعتبار این روایت را می‌آوریم:

«از نظر محدثان سده‌های چهارم و پنجم مانند: کلینی، صدوق، شیخ طوسی رحمة الله عليهم که حدیث را فقط به صحیح و غیرصحیح تقسیم می‌کرده‌اند، ظاهراً زیارت جامعه کبیره صحیح یا مقبول به شمار می‌آمده است. زیرا آنان در آن روزگار به سبب نزدیکی به زمان معصومین عليهم السلام قراین مرجح‌های در اختیار داشته‌اند یا این زیارت را در اصول و کتابهای معتبری که در اختیارشان بوده است دیده و بدان اعتماد کرده‌اند»

پژوهشی درباره زیارتهای جامعه، مجله: مطالعات اسلامی « زمستان ۱۳۸۲ - شماره ۶۲، سید کاظم طباطبایی ص ۱۲۷.

دوم: استناد عالمان امامی به زیارت جامعه

فقراتی از زیارت جامعه کبیره و در مواردی تمام آن، در بسیاری از میراث علمی امامیه، به چشم می‌خورد. از باب نمونه عده‌ای از فقهاء لابه لای مباحثشان به زیارت جامعه استناد یا استشهاد نمودند. بدیهی است استناد یا استشهاد این دانشمندان به نوبه خود می‌تواند قرینه‌ای بر اعتبار این زیارت به حساب آید.

ملا محسن فیض کاشانی رحمة الله علیه متن زیارت جامعه را در " باب ما یجزی من القول عند زیارة جمیع الأئمة والقول البلیغ فی ذلك " از کتاب الوافی، می‌آورد.

الفیض الكاشانی الوافی، ج ۱۴ ص ۱۵۶۵، مكتبة الامام أمير المؤمنين علي (ع) العامة - أصفهان.

شیخ انصاری رحمة الله علیه می‌نویسد:

والکلام فی الخوارج ینظر ممّا ذکرنا فی الناصب فإنهم أشدّ النواصب مضافاً إلى إطلاق « المشرک » علیهم فی بعض الأخبار کما فی زیارة الجامعة: ومن حاربکم مشرک.

از آنچه که درباره نواصب گفتیم، سخن درباره خوارج روشن است. آنها سخت‌ترین نواصب‌اند علاوه بر آنکه در برخی اخبار بر آنها مشرک اطلاق شده است. همانند آنچه که در زیارت جامعه آمده است: ومن حاربکم مشرک.

الشیخ الأنصاری، کتاب الطهارة، ج ۵ ص ۱۴۹، الناشر: مجمع الفكر الإسلامي

آیت الله خویی رحمه الله علیه هم به مناسبت برخی احکام فقهی، به دو فقره "وَمَنْ جَدَّكُمْ كَافِرٍ وَ مَنْ وَحَدَّهُ قَبْلَ

عَنْكُمْ" از زیارت جامعه استناد می کند

السید الخوئی، مصباح الفقاهة، ج ۱ ص ۵۰۴، الناشر: مكتبة الداوري - قم

سوم: وجود شرح‌های فراوان پیرامون زیارت جامعه

درباره زیارت جامعه کبیره شروح فراوانی نوشته شده است. چه بسا بتوان گفت کمتر زیارتی باشد که تا این اندازه بر آن شرح نوشته شده باشد. شیخ آقا بزرگ تهرانی رحمه الله علیه تعدادی از شرح‌هایی را که بر این زیارت نوشته شده در کتاب «الذریعه الی تصانیف الشیعه» آورده است. این حجم از اهتمام علماء نسبت به این زیارت‌نامه، می تواند شاهد دیگری بر اعتبار آن نزد این دانشمندان باشد.

چهارم: معارف بلند زیارت جامعه

عده‌ای، الفاظ فصیح، اسلوب ادبی و معارف بلند زیارت جامعه را شاهی دیگر بر درستی این زیارت‌نامه و موجب بی نیازی از بحث‌های سندی آن دانستند.

علامه مجلسی رحمه الله علیه می فرماید:

الزيارة نفسها شاهد عدل علی صحتها.

متن این زیارت خود شاهی عادل بر درستی آن است.

علامه مجلسی، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، ج ۹، ص: ۲۴۸، الناشر: مكتبة آية الله المرعشي - قم

در میان معاصران هم آیت الله جوادی در این باره می نویسد:

متن زیارت جامعه کبیره به گونه‌ای است که هر منصفی صدور این معارف بلند را از غیر معصوم محال عادی می‌داند افزون بر آنکه خطوط کلی آن را با خطوط کلی معارف قرآن کریم، که مرجع نهایی در بررسی روایات است، هماهنگ می‌بیند و این، چیزی است که ما را از بحث سندی آن بی‌نیاز می‌کند.

آدب فنای مقربان [شرح زیارت جامعه] آیت الله جوادی آملی، ص ۸۷ و ۸۸.

پنجم: هماهنگی زیارت جامعه با سایر روایات

اگر روایتی حتی با فرض نداشتن سند معتبر، نظائر آن، در دیگر متون حدیثی یافت گردد، به نوبه خود شاهدی بر درستی این روایت خواهد بود.

متن زیارت جامعه از این قبیل است. بسیاری از فقرات آن مانند: «السلام علیکم یا أهل بیت النبوة وموضع الرسالة ... وسلالة النبیین وصفوة المرسلین وعتره خیرة رب العالمین. السلام أئمة الهدی و... ورثة الأنبیاء و...» امری بدیهی و غیر قابل تشکیک است.

پاره‌ای دیگر از فقرات زیارت جامعه هم که برخی آن را غلو آمیز دانستند، در بسیاری از متون حدیثی به چشم می‌خورد تا آنجا که می‌توان برای این فقرات تواتر معنوی را ادعا نمود.

لازم است بدانیم؛ ائمه علیهم السلام به شدت با غلو مبارزه می‌کردند و شیعیان را از آن نهي می‌نمودند.. بنا بر این؛ اگر روایتی، و لو به ظاهر غلو آمیز باشد، اما در کلمات متعدد معصومان علیهم السلام آن هم در حد تواتر معنوی، رسیده باشد، نمی‌توان آن را نادیده گرفت و خود نشان از غلو آمیز نبودن مضمون آن روایت دارد.

فقراتی از زیارت جامعه مانند: «و بِكُمْ يَنْزِلُ الْغَيْثُ ... مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِكُمْ وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنَّا» از این دسته‌اند.

در حالی که با مراجعه به متون حدیثی، همین مضامین در قالب عباراتی چون:

بِنَا يَنْزِلُ غَيْثُ السَّمَاءِ

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۲۰۲ ناشر: اسلامیه - تهران.

و بِكُمْ يَنْزِلُ اللَّهُ الْغَيْثُ

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق، الكافي، ج ٤ ص ٥٧٧، ناشر: اسلاميه.

و الفاظي مانند: «بِنَا عُرِفَ اللَّهُ وَ بِنَا وَحِدَ اللَّهُ، وَ لَوْ لَا نَحْنُ مَا عُبِدَ اللَّهُ»، بازتاب دارد. التوحيد - الشيخ الصدوق - ص

١٥٢، الناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.

بنا بر این؛ هم‌نواختی فقرات زیارت جامعه با سایر متون حدیثی، شاهدی دیگر بر صدور این زیارت از امام هادی علیه السلام است.

در پایان، ذکر این نکته نیز خالی از فایده نیست که مجلسی اول رحمة الله علیه در شرح «من لا يحضره الفقيه» تجربه‌ای را که در مکاشفه درباره زیارت جامعه و فضیلت آن برایش حاصل شده است گزارش کرده و آن را از مؤیدات و مرجحات این زیارت شمرده است. ایشان مکاشفه ی خود را چنین گزارش می دهد:

عند ما كنت في رواق عمران جالسا إني بسر من رأى ورأيت مشهدهما في نهاية الارتفاع والزينة ورأيت على قبرهما لباسا أخضر من لباس الجنة لأنه لم أر مثله في الدنيا ورأيت مولانا ومولى الأنام صاحب العصر والزمان عليه السلام جالسا ، ظهره على القبر ووجهه إلى الباب فلما رأيت شرعت في هذه الزيارة بالصوت المرتفع كالمداحين فلما أتممتها قال صلوات الله عليه نعمة الزيارة.

زمانی که در رواق «عمران» در [حرم امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام] در سامرا نشسته بودم، مرقد آن دو امام بزرگ را در نهایت رفعت و زیبایی دیدم، دیدم که بر قبرشان پوششی سبز رنگ از پوشش های بهشتی است [بدین دلیل فهمیدم بهشتی است که] همانند آن را در نیا ندیده بودم؛ در این هنگام حضرت صاحب العصر و الزمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم که پشت به قبر و رو به درب حرم نشسته بودند، به محض اینکه ایشان را دیدم، با صدای بلند همانند مداحان شروع به خواندن همین زیارت [جامعه کبیره] نمودم، زمانی که قرائت زیارت تمام شد، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمودند، این زیارت خیلی خوبی است.

او پس از گزارش آن مکاشفه می‌نویسد:

«لا شك لي أن هذه الزيارة من أبي الحسن الهادي سلام الله عليه بتقرير صاحب عليه السلام وأنها أكمل الزيارات وأحسنها».

نتیجه اینکه با تأیید صاحب الامر علیه السلام [در مکاشفه]، مرا تردیدی نیست که این زیارت از حضرت ابوالحسن امام هادی سلام الله علیه است و آن کاملترین و بهترین زیارتهاست.

مجلسی، محمد تقی، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه ج ۵، ص: ۴۵۲، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور

البته ناگفته پیداست که مکاشفه تجربه‌ای شخصی است و نمی‌توان در مقام نفی و اثبات چیزی بدان تمسک و استدلال کرد. هر چند برای شخصی که چنین چیزی را تجربه کرده است اطمینان بخش و حجت می‌باشد.

جمع بندی

فرجام سخن اینکه از رهگذر دانش رجال و بررسی سند، همچنین کنار هم قرار دادن شواهد و قراین، می‌توان نتیجه گرفت که زیارت جامعه کبیره هم از منظر وثوق سندی و هم از نگاه وثوق صدور، صحیح و کاملاً مورد قبول می‌باشد.

/پایان/